



**From Conceptual to Narrative Structure
A New Reading of *Kalila and Demnea* Based on the Last
Structuralism Theory**

Javad Dehghanian ^{*1}, Aliakbar Sayadkooch², Assadollah Noroozi³

Abstract

In the researches related to Kalileh and Demeneh, a main issue that has received less attention is whether Borzuyehe had criteria in mind to choose the title and organize the narrative, or whether he chose the stories randomly. The Borzuyehe's main goal in selecting and organizing the eight main chapters of the text was to resolve the "historical conflict between the power institution and the elite class". Based on the hypothesis of this research, the chapters have been purposefully selected and compiled. In other words, there is a coherent link between the conceptual and the narrative structures of the chapters. The narration in *Kalila and Demeneh* has a hierarchical system namely the entire work can be considered as a novel or a long story. In fact, each chapter is an independent chapter and at the same time related to a more general system, which is in line with the author's discursive goals namely "education of the institution of power" and "harmony between this institution and the elite class".

Received: 13/07/2021

Accepted: 29/01/2022

* Corresponding Author's E-mail:
mirjavad@shirazu.ac.ir

1. Associate Professor, Department of Persian Language and Literature, Faculty of Humanities, Shiraz University, Shiraz, Iran.

<http://orcid.org/0000-0001-6904-2274>

2. Professor, Department of Persian Language and Literature, Faculty of Humanities, Shiraz University, Shiraz, Iran.

<http://orcid.org/0000-0002-4070-6900>

3. Assistant Professor, Department of Persian Language and Literature, Faculty of Humanities, Hormozgan University, Bandar Abbas, Iran.

<http://orcid.org/0000-0002-7941-1341>



Keywords: *Kalileh and Demaneh*, conceptual structure, narrative structure, chapter selection.

1. Introduction:

There are two views concerning the nature and origin of Kalileh and Demaneh; the first one emphasizes on the existence of an "independent book" in Indian literature. On the other hand, another idea indicates that Kalila and Demaneh is selected from different texts of Indian literature (Monshi, 1994: 30).

At first glance, it seems that Kalileh and Demaneh is a collection of stories not followed a particular pattern in its selection and compilation. The authors of this study, on the other hand, believe that this work has an integral unity due to its adherence to a specific political-cultural discourse, which should be discovered from the structure of the text.

2. Questions:

Have the chapters of Kalila and Demaneh a unified unity and formed based on a "political-literary discourse"?

3. Methodology:

We have tried to overcome the limitations of the primary narratology of conceptual structure to understand its narrative structure and reveal the dialectical relationship between conceptual and narrative structures and its role in the coherence of the text.

4. Literature Review:

There are many different views regarding the main and added chapters of Kalila and Demaneh; however, all researchers agree that the main form of this work comes from Indian literature. (Mahjub, 1970: 55). Abu Rayhan Muhammad ibn Ahmad al-Biruni (973 – after 1050)



doubted the authenticity of the chapters and intended to re-translate Pañcatantra¹ (Mesrian, 2005: 200). "Antoine Issac Silvester de Sacy" solved this problem to some extent by distinguishing between the "authenticity of the stories" and the "authenticity of the book "Kalileh and Demaneh". (Mahjub, 1970: 18).

5. Conclusion:

Based on the findings, the position of the chapters and the way sorting the stories have followed a specific pattern and order. In fact, the political theory of the text is a discourse. Chapters and sub-stories play the role of paradigms and unify the propositions

The political competition and power struggle between the courtiers is brought up again in a circular way in "The Lion and the Jackal", but this time in an evolved format in which the relationship between the power institution and the elite class after solving many problems and difficulties, it has been formed and has taken a favorable shape.

6. Bibliography:

- Mahjoub, Mohammad Jafar (1970), About Kalila and Damneh, Tehran: Khwarazmi. second edition.
- Monshi, Nasrullah (1994), Kalileh and Damneh, corrected and explained by Mojtaba Minavi, Tehran: Amir Kabir, 12th edition.
- Mesrian, Ali (2005), Revision of Biruni's record in Persian language, Farhangistan Letter, No. 7/1, 207-195.

¹. The *Panchatantra* (IAST: Pañcatantra, ISO: Pañcatantra, Sanskrit: पञ्चतन्त्र, "Five Treatises") is an ancient Indian collection of interrelated animal fables in Sanskrit verse and prose, arranged within a frame story. The surviving work is dated to about 200 BCE, but the fables are likely much more ancient. The text's author is unknown, but it has been attributed to Vishnu Sharma in some recensions and Vasubhaga in others, both of which may be fictitious pen names. It is likely a Hindu text, and based on older oral traditions with "animal fables that are as old as we are able to imagine".

دوفصلنامه روایت‌شناسی

سال ۶، شماره ۱۲، پاییز و زمستان ۱۴۰۱، صص ۲۰۱-۲۲۷

مقاله پژوهشی

DOR: 20.1001.1.25886495.1401.6.12.8.2

از ساخت مفهومی به ساخت روایی خوانشی نو از کلیله و دمنه با رویکرد روایت‌شناسی ساخت‌گرای متأخر

جواد دهقانیان*^۱، علی‌اکبر صیادکوه^۲، اسدالله نوروزی^۳

(دریافت: ۱۴۰۰/۴/۲۲ پذیرش: ۱۴۰۰/۱۱/۹)

چکیده

دلایل برزویه، نویسنده کلیله و دمنه در «گزینش داستان‌ها»، «انتخاب عنوان اثر» و «چگونگی تدوین» و ایجاد رابطه طولی میان باب‌ها از موضوعات و پرسش‌هایی است که با وجود اهمیت فراوان، کمتر به آن‌ها توجه شده است. مسئله پژوهش این است که آیا برزویه در انتخاب موارد یادشده و سامان‌دهی روایت این اثر، معیارهایی را در نظر داشته یا از سر تفنن و تصادف، داستان‌هایی را برگزیده است. اگر فرض منطقی‌گزینش هدفمند را بپذیریم، با چشم‌انداز تازه‌ای از اهداف و معیارهای گزینش مؤلف مواجه می‌شویم. هدف برزویه از انتخاب و تنظیم هشت باب اصلی متن، حل «جدال تاریخی نهاد قدرت و طبقه نخبه» بوده است. براساس فرضیه پژوهش، باب‌ها به صورت هدفمند گزینش و تدوین شده و برخلاف تصور اولیه، میان باب‌ها و عنوان کتاب رابطه‌ای معنادار برقرار است. علاوه بر این، میان ساخت مفهومی و ساخت روایی این باب‌ها پیوند منسجم برقرار است. برپایه این فرضیه، روایت در کلیله و دمنه نظام سلسله‌مراتبی دارد؛ بدین معنا که کل اثر را نباید به شکل کنونی (به صورت باب‌های مجزا

۱. دانشیار، گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه شیراز، شیراز، ایران (نویسنده مسئول).

* mirjavad@shirazu.ac.ir

<http://orcid.org/0000-0001-6904-2274>

۲. استاد، گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه شیراز، شیراز، ایران.

<http://orcid.org/0000-0002-4070-6900>

۳. استادیار، گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه هرمزگان، بندرعباس، ایران.

<http://orcid.org/0000-0002-7941-1341>

و بی‌ارتباط با عنوان)، بلکه باید به‌مثابه رمان یا روایت بلند در نظر گرفت. هر باب فصلی مستقل و در عین حال مرتبط با نظام کلی‌تر است که با اهداف گفتمانی مؤلف همخوانی دارد. دو هدف عمده مؤلف: «تربیت نهاد قدرت» و «سازواری میان این نهاد و گروه نخبه»، اجزای این روایت بلند را به هم متصل و رابطه طولی میان باب‌ها را مشخص و برقرار می‌کند.

واژه‌های کلیدی: کلیله و دمنه، ساخت مفهومی، ساخت روایی، گزینش باب‌ها، گروه نخبه، نهاد قدرت.

۱. مقدمه

درباره ماهیت و چگونگی پیدایش کلیله و دمنه، حتی در خود متن نظریه‌ای واحد دیده نمی‌شود. فصل‌های مقدماتی در مجموع دربردارنده دو دیدگاه است. دیدگاه نخست بر این اصل استوار است که در ادبیات هندی، «کتابی مستقل» به نام کلیله و دمنه وجود داشته و برزویه طیب آن را به پهلوی ترجمه کرده است. ابن مقفع و برزویه در مقدمه کلیله و دمنه به این موضوع اشاره کرده‌اند. دیدگاه دوم نه به‌صراحت دیدگاه اول، بلکه تلویحاً این ایده را مطرح می‌کند که کلیله و دمنه برگزیده‌ای از متون مختلف ادبیات هندی است (منشی، ۱۳۷۳: ۳۰). این نقل‌قول‌ها چکیده دو دیدگاه متن درخصوص شکل‌گیری کلیله و دمنه است. براساس تحقیقات انجام‌شده، دیدگاه دوم که اتفاقاً در متن به‌حاشیه رانده شده، به واقعیت نزدیک‌تر است؛ بنابراین برزویه طیب در هند با اثری مستقل به نام کلیله و دمنه مواجه نبوده، بلکه با مطالعه ادبیات این کشور، برگزیده‌ای^۱ از آن را به زبان پهلوی ترجمه کرده و براساس گفتمان طبقه خاص خود (نخبه) و با پیوند و تلفیق باب‌ها، اثر ترکیبی^۲ مستقلی به نام کلیله و دمنه را پدید آورده است.

موضوع چگونگی تدوین کلیله و دمنه بالطبع ما را با پرسش‌هایی درباره هدف و معیارهای گزینش نویسنده مواجه می‌کند. یکی از نخستین پرسش‌ها این است که آیا این اثر مجموعه‌ای از حکایات آشفته و نامنسجم است یا نوعی رابطه طولی بر آن حکم فرماست. برزویه به این پرسش مستقیماً پاسخ نمی‌دهد. در متن نیز صرف‌نظر از الگوی اقتباسی تدوین متن که برپایه پرسش‌وپاسخ «رای و برهمن» شکل گرفته است^۳، ارتباط چندانی میان باب‌ها وجود ندارد؛ حتی نام اثر با کلیت متن سنخیت ندارد؛ زیرا

«کلیده و دمنه» فقط دو شخصیت باب اول هستند و در باب‌های دیگر حضور ندارند.^۴ بنابراین در نگاه نخست چنین می‌نماید که کلیده و دمنه مجموعه حکایت‌هایی است که در گزینش و تدوین آن از الگوی خاصی پیروی نشده است. از آنجا که برزویه درباره دلایل گزینش باب‌ها هیچ اطلاعی نداده است، برای یافتن انسجام متن^۵ یا آنچه به‌باور برزویه، این مجموعه حکایت‌ها را به یک «واحد به‌هم‌پیوسته اندام‌وار» تبدیل کرده، ناگزیریم پاسخ را در ساختار درونی متن جست‌وجو کنیم. آیا می‌توان کلیده و دمنه را، به‌رغم استقلال ظاهری باب‌هایش، روایتی منتظم و منسجم در نظر گرفت و به‌تعبیر تودوروف، ساختار روایی یا دستور زبان آن را کشف کرد؟

این فرضیه تازه که کل متن را روایتی واحد و منسجم در نظر می‌گیرد (روایتی اندام‌وار که برآمده از «گفتمان سیاسی - ادبی» است) صورت‌بندی تازه‌ای به کلیده و دمنه می‌بخشد و میان باب‌ها و عنوان اثر رابطه‌ای منسجم برقرار می‌کند. در این صورت‌بندی جدید، به‌تعبیر سوسور (به نقل از برتنس، ۱۳۸۷: ۷۰)، باب‌ها مانند پارول^۶ و نظام حاکم بر متن که شامل شخصیت‌ها و کارکردهای مشابه یا تکراری می‌شود، به‌مثابه لانگ^۷ یا دستور زبان روایت عمل می‌کند.

برای پی بردن به این دستور روایت، باید نخست به تصویری از محتمل‌ترین حالت کلیده و دمنه‌ی اولیه دست یافت. همان‌طور که اشاره شد، کلیده و دمنه‌ی موجود (ترجمه ابن مقفع و به‌تبع آن منشی) «پانزده باب» و «پنج‌جاه‌هشت» داستان دارد؛ در حالی که کلیده و دمنه‌ی اولیه (اثر برزویه) حجم کمتری داشته و بعداً ابوابی بر آن افزوده شده است.^۸

اگر براساس فرضیه مطرح‌شده، باب‌ها هدفمند گزینش شده باشد، این خوانش جدید که مدعی فهم تازه از متن است و برداشت خود را متناسب با ساختار فرهنگی و موقعیت مؤلف (تعلق به گروه نخبه) می‌داند، باید به این پرسش اساسی پاسخ دهد که رابطه طولی یا گفتمانی میان باب‌ها چگونه تنظیم شده است.

در این پژوهش، برای کشف وحدت اندام‌وار اجزای گفتمان مؤلف، از مفاهیم روایت‌شناسی ساخت‌گرا بهره گرفته‌ایم؛ اما هم‌رأی با دیگر پژوهندگان این حوزه (محمدی‌کله‌سر، ۱۳۷۹: ۱۶۱؛ امن‌خانی و مددی، ۱۳۹۱: ۹) تلاش کرده‌ایم از تحمیل

یک نظریه بر متن پرهیزیم و به جای آن از «ترکیب نظریه‌ها» و مفاهیمی که منجر به یافتن پاسخ پرسش می‌شود، بهره بگیریم؛ همچنین با گذر از محدودیت‌های روایت‌شناسی اولیه و با در نظر گرفتن زمینه‌های فرهنگی تولید اثر، از ساخت مفهومی — که فلسفه وجودی متن را شکل می‌دهد — به شناخت ساخت روایی آن دست یابیم و رابطه دیالکتیکی ساخت مفهومی و ساخت روایی و نقش آن در انسجام متن را آشکار کنیم. برای تحلیل کارکرد و نقش شخصیت در پی‌رنگ داستان، از نظریه پراپ و برای بررسی روایت و شناخت گفتمان از آرای سوسور، بارت و... استفاده کرده‌ایم.

۲. پیشینه تحقیق

درباره باب‌های اصلی و افزوده شده کلیله و دمنه از گذشته تا حال اختلاف نظر بسیار بوده؛ با این حال، همه محققان اتفاق نظر دارند که شاکله اصلی اثر برآمده از ادبیات هندی است (محبوب، ۱۳۴۹: ۵۵). همان‌طور که گفته شد، منشی و ابن‌مقفع و نیز مقدمه منسوب به برزویه طیب نه فقط بر اصالت هندی داستان‌ها، بلکه به اشتباه بر اصالت هندی کتابی تحت عنوان کلیله و دمنه تأکید کرده‌اند (منشی، ۱۳۷۳: ۱۹، ۲۹، ۳۴ و ۵۸). البته ابن‌مقفع با تردید بجا، به هندی نبودن همه باب‌ها اشاره کرده و پنج باب آن را ساخته و پرداخته ایرانیان دانسته است (همان: ۳۸-۳۷). در میان پژوهندگان گذشته، ابوریحان بیرونی در اصالت باب‌ها شک کرده و قصد داشته پنجه‌تتره^۹ را دوباره ترجمه کند (مصریان، ۱۳۸۴: ۲۰۰). در میان متأخران، دوساسی^{۱۰} این مشکل را با تمایز نهادن میان «اصالت داستان‌ها» و «اصالت کتاب کلیله و دمنه» تا حدودی برطرف کرد. به‌باور او، «حوادث اصلی کلیله و دمنه و افسانه‌هایی که در آن جمع‌آوری شده، از هندوستان به ایران آمده است؛ اما جمع آوردن آن‌ها در یک کتاب و شکلی که این افسانه‌ها در قالب آن عرضه شده، می‌تواند ابتکار برزویه باشد» (محبوب، ۱۳۴۹: ۱۸). نظر دوساسی تأکید بر شکل ترکیبی^{۱۱} اثر است؛ اما دو اشکال عمده دارد: نخست این است که برخی باب‌ها که او اصلی می‌پندارد، اصالت هندی ندارد؛ اشکال دیگر به چگونگی تدوین اثر (گفت‌وگو میان رای و برهمن) برمی‌گردد که او آن را ابتکار برزویه می‌داند؛ در حالی که نوعی گرت‌برداری و اقتباس از *مهابهاراتا* است. این تحقیقات با داشتن همه

ارجمندی، به شکلی محدود به مسئله اصالت باب‌ها پرداخته و از آن فراتر نرفته‌اند و به‌طور باورنکردنی موضوع چگونگی ارتباط میان باب‌ها یا رابطه طولی اثر را نادیده گرفته‌اند.^{۱۲}

۳. بحث و بررسی

ساخت‌گرایان برای درک دستور زبان روایت، به عنصر بسامد و تکرار ویژگی‌های مشترک به‌طور ویژه اهمیت می‌دهند (پاینده، ۱۳۹۷: ۱۵۸). در اینجا نیز اولین گام در درک معیارهای گزینش برزویه، کشف ویژگی‌های مشترک باب‌های هشت‌گانه است. این باب‌ها از نظر فرمی، همگی تمثیلی و نمادین است و به‌جز دو مورد، داستانی «مردی که از پیش شتر مست می‌گریخت» و باب «زاهد و راسو»، از زبان حیوانات روایت شده است. ویژگی مشترک دیگر این باب‌های هشت‌گانه، محتواسست. محور اصلی این باب‌ها یا سیاست است یا نوعی از اخلاق که به آن «اخلاق سیاسی» گفته می‌شود (دهقانیان و نیکویخت، ۱۳۹۰: ۱۴۶-۱۵۰). باب‌های «شیر و گاو»، «بوم و زاغ»، «بوزینه و باخه»، «شاه و فنزه»، «موش و گربه» و «شیر و شغال» مستقیماً با قدرت و سیاست در ارتباط است و در آن‌ها به سازکار نهاد قدرت پرداخته می‌شود. باب «کبوتر و یارانش» دو بخش عمده دارد: بخش نخست به رابطه هرم قدرت و طبقه زیردست و بخش دوم به تعامل با «دیگری و روابط خارجی» می‌پردازد. در باب «زاهد و راسو»، محوریت با اخلاق فردی و سلوک اجتماعی است و سیاست در معنای سلطه، کنشگری اجتماعی و تعامل با قدرت نمود چندانی ندارد. همان‌طور که مشاهده شد، از میان هشت باب، شش باب مستقیماً با قدرت و کارکرد نظام سیاسی در ارتباط است.

برخلاف آنچه منتقدان تا پیش از این گفته‌اند و بر جنبه تعلیمی و اخلاقی کلیه و دمنه پای فشرده‌اند^{۱۳}، فقط در دو باب، محتوای اخلاقی بر محتوای سیاسی نسبتاً غلبه دارد؛ حتی در اینجا نیز با اخلاق فردی صرف مواجه نیستیم. اگر قدرت را نه در معنای نظام سیاسی، بلکه در معنای مورد نظر فوکو، به‌مثابه نظام سلطه و «شبکه قدرت» در نظر بگیریم^{۱۴}، اخلاق مطرح‌شده در کلیه و دمنه اخلاقی شدیداً متأثر از قدرت است و با اخلاق دینی تفاوت دارد؛ البته باید مترجمان (ابن‌مقفع و منشی) با شناخت از مخاطب

و بافت اجتماعی خود، به سیاست‌های اخلاقی متن اصلی رنگ‌ولعاب دینی داده‌اند.^{۱۵} با این همه، مرکز معنایی در این هشت باب سیاست یا به تعبیر بهتر، اخلاق سیاسی است.^{۱۶} در اینجا به منظور کشف رابطه طولی باب‌ها، ویژگی‌های مشترک آن‌ها را بررسی می‌کنیم.

۳-۱. باب «شیر و گاو»

این باب نخستین باب کتاب است و به تصریح خود کتاب، مهم‌ترین داستان را در دل خود جای داده: «و آن اطناب و مبالغت مقرون به لطافت مواردت از داستان شیر و گاو آغاز افتاده است که اصل آن است» (منشی، ۱۳۷۳: ۲۵-۲۶). برای درک معیارهای گزینش برزویه باید به این باب به‌طور ویژه توجه کرد. گذشته از گفته‌های ابن‌مقفع و برزویه، این باب به دو دلیل دیگر بیشتر از دیگر باب‌ها اهمیت دارد: نخست، از نظر جایگاه و حجم مطالب: این باب اولین باب کتاب است و بیشترین حجم را دارد؛ دومین دلیل عنوان کتاب است که از این باب گرفته شده است. دو شخصیت باب اول برای مؤلف چنان اهمیتی داشته که نام آن‌ها را برای اثر خود برگزیده است. اما این باب و شخصیت‌های آن چه ویژگی‌هایی دارند که برزویه آن را بر ابواب دیگر مقدم داشته و عنوان کتاب را از آن گرفته است؟ این دو شخصیت از طبقه نخبه درباری هستند.^{۱۷} پراپ در تحلیل شخصیت‌ها به این نتیجه رسیده بود که شخصیت‌ها یا افراد قصه‌ها ممکن است به‌ظاهر کاملاً متغیر باشند، اما این تغییرات اهمیت ندارد و مهم کارکرد آن‌هاست (تولان، ۱۳۸۶: ۳۳). توماشفسکی نیز با تقسیم پی‌رنگ داستانی به «طرح اولیه» و «طرح روایی» امکان حضور و تکرار یک پی‌رنگ را در داستان‌های به‌ظاهر متفاوت مطرح کرد و زمینه ظهور ریخت‌شناسی پراپ را فراهم آورد (برتنس، ۱۳۸۳: ۴۸). براساس این دو اصل، آیا نمی‌توان این فرضیه را مطرح کرد که باب اول و از همه مهم‌تر دو شخصیت محوری آن معیار گزینش سایر باب‌ها و داستان‌های دیگر بوده و این پی‌رنگ و این دو شخصیت در باب‌های دیگر به‌شکل‌های مختلف تکرار شده است؟

باب اول با ایجاد تنش میان طبقه قدرت و طبقه نخبه شروع می‌شود. این تنش در باب‌های دیگر نیز به شکل‌های مختلف تکرار می‌شود تا اینکه در نهایت در باب آخر، یعنی «شیر و شغال»^{۱۸}، بحران با سازواری میان این دو طبقه حل می‌شود. در واقع مؤلف با عبور دادن مخاطب^{۱۹} از تجربه‌های متعدد، او را قانع می‌سازد که برای ایجاد شهریاری مطلوب، هر دو طبقه به هم نیاز دارند و راهی جز توافق برای آن‌ها وجود ندارد. هدف برزویه «جست‌وجوی قواعد و دستورالعملی برای کنترل قدرت و عمل مؤثر آن» بود.^{۲۰} هدف او بسیار به نظریه افلاطون نزدیک است و حتی به گونه‌ای ترجمان آن محسوب می‌شود. افلاطون بر آن بود که یک فیلسوف فرهیخته را حاکم آرمان‌شهر^{۲۱} خود سازد و چون این هدف در عالم واقع عملاً ممکن نبود، چاره را در آن می‌دید که به تربیت فلسفی رهبران سیاسی بپردازد (دورانت، ۱۳۹۲: ۲۵). برزویه و مؤلفان و مترجمان کلیله و دمنه به نیروی جادویی ادبیات و هنر در تربیت نهاد قدرت خوش بین بوده‌اند. برزویه در جست‌وجوی داروی معجزه‌گری بود که بر ساختار قدرت تأثیری جدی بگذارد.

برزویه، به عنوان فردی از طبقه نخبه درباری، با تنظیم این کلان‌روایت ادبی - سیاسی کوشید قدرت مطلقه پادشاه و هرم قدرت را به طرق مختلف محدود و مقید کند و میان منافع هرم قدرت، طبقه نخبه درباری و منافع عمومی جامعه توازن برقرار نماید. طرح^{۲۲} این داستان آشکارا برگرفته از جدال تاریخی میان پادشاه و طبقه نخبه و وزیران است. این طبقه از قدرت نظامی بهره‌ای نداشت و تنها سلاحش خرد و سیاست‌ورزی بود و توان مقابله با قدرت پیدا و پنهان پادشاه را نداشت. هرگونه جدالی میان این دو طبقه پیامدی جز وزیرکشی (نخبه‌کشی) نداشت. در فضای داستانی، حوادثی که برای شیر (رأس هرم قدرت)، گاو، دمنه و دیگر شخصیت‌های موافق و مخالف رخ می‌دهد، از یک سو نمادی از این جدال تاریخی و از سوی دیگر افشاکننده ساختار سیاسی و روابط پیدا و پنهان بازیگران قدرت است. این تضاد و تقابل تقریباً در همه باب‌های مورد نظر دیده می‌شود. در باب «شیر و گاو»، «بوم و زاغ»، «شاه و فنزه» و «شیر و شغال»، جدال میان این دو طبقه شباهت بیشتری دارد.

باب نخست براساس کارکرد سه شخصیت شیر، کلیله و دمنه شکل گرفته است. نقش دو شخصیت کلیله و دمنه البته محوری‌تر است و از این دو، شخصیت دمنه

پررنگ‌تر است. در واقع داستان حول محور اعمال او می‌گردد و با پایان یافتن زندگی او، داستان نیز به فرجام می‌رسد.

اکنون که مشخص شد این باب به دلایلی همچون محتوا، حجم و جایگاه^{۳۳}، مهم‌ترین باب کتاب است، باید با کشف ویژگی‌های تکرارشونده و به‌خصوص تمرکز بر کنش‌های دو شخصیت محوری این باب و انطباق آن با شخصیت‌های دیگر باب‌ها، هم علت نام‌گذاری کتاب و هم رابطه طولی باب‌ها را مشخص کرد. برای نیل به این هدف، پاسخ به این پرسش ضروری است: آیا می‌توان با در نظر گرفتن نتایج تحقیق پراپ، شخصیت‌های مهم این اثر را به‌نوعی گرده‌برداری و تکرار شخصیت‌های باب اول دانست؟ (پراپ، ۱۳۸۶: ۵).

۳-۱-۱. دمنه

وظیفه کلیله و دمنه تعدیل نیروی هرم قدرت، اصلاح و تربیت آن و در نهایت سازواری و ایجاد تعادل میان طبقه قدرت و طبقه نخبه است. دمنه با اینکه در متن بار اصلی گناه را به دوش می‌کشد، در حقیقت محور اصلی و شخصیت مطلوب مؤلف است. البته باید میان شخصیت مطلوب و محبوب تفاوت ظریفی قائل شد. راوی بنا بر قواعد عرفی نظام سیاسی و اجتماعی، محافظه‌کار است و از تندروی در عرصه سیاست و اخلاق می‌پرهیزد؛ اما ویژگی‌هایی برای دمنه ذکر می‌کند که گویی ایدئال و آرمان جامعه نخبه در این شخصیت نهفته است. دمنه حتی فراتر از یک شخصیت است و طیفی از شخصیت‌ها را در بر می‌گیرد که در هر داستان به‌شکلی ظهور و بروز می‌یابد.^{۳۴} مهم‌ترین ویژگی‌های دمنه عبارت است از: ۱. حریص و جاه‌طلب است؛ ۲. زیرک است؛ ۳. زبان‌آور و فصیح است. او مانند یک سوفسطایی تمام‌عیار می‌تواند با تغییر در مقدمات کلام، سخن خود را به کرسی بنشانند: «مرد چرب‌زبان اگر خواهد حقی را در لباس باطل بیرون آورد و باطلی را در معرض حق فرانماید [...] نقاش چابک‌قلم صورت‌ها پردازد که در نظر انگیخته نماید و مسطح باشد و مسطح نماید و انگیخته باشد» (منشی، ۱۳۷۳: ۶۶)؛ ۴. آرای دمنه تجسم عینی نظریه ماکیاوولی است که هدف وسیله را توجیه می‌کند. او با همین دیدگاه قتل شنزبه را توجیه می‌کند؛ ۵. خردگراست.

این وجه از شخصیت دمنه در روایت با تعبیرات منفی همچون حيله گر و زیرک تعبیر و توصیف شده است: «آنچه به حیلت توان کرد، به قوت ممکن نباشد» (همان: ۸۶)؛ «مرد هنرمند بامروت اگرچه حامل منزلت و بسیار خصم باشد، به عقل و مروت خویش پیدا آید» (همان: ۶۸)؛ ۶. قدرت طلب است و راضی به وضع موجود نیست: «و ما سزاواریم بدانچه منزلت عالی جوییم و بدین خمول و انحطاط راضی نباشیم» (همان: ۶۴)؛ ۷. خواهان برقراری نوعی از اصول دموکراتیک و ایجاد فرصت‌های برابر است. به اعتقاد او، کسب قدرت باید حق همه باشد. اگرچه خود در مراتب پایین قدرت است، با اعتماد به نفس و تکیه بر نیروی خرد قصد دارد نظام طبقاتی را دگرگون کند و به مراتب بالای قدرت دست یابد:

دمنه گفت مراتب میان اصحاب مروت و ارباب همت مشترک و متنازع است و هرکه نفس شریف دارد، خویشان را از محل وضع به منزلت رفیع می‌رساند و هرکه را رای ضعیف و عقل سخیف است، از درجت عالی به رتبت خامل گراید (همان‌جا).

۸. در تقابل اخلاق و قدرت همواره جانب قدرت را می‌گیرد. در نظر او، پیمان‌شکنی و ردایل اخلاقی — آنجا که نظام قدرت ایجاب می‌کند — ضدارزش محسوب نمی‌شود؛ ۹. مفاهیم و ارزش‌های مهم سنتی را سقراطوار بازخوانی و بازتعریف می‌کند؛ از این رو در نگاه او، ارزش‌ها و ضدارزش‌های اخلاقی متفاوت است.^{۲۵} ۱۰. از نظر دمنه، قدرت یک فضیلت و توانایی است و کسب آن ارزشمند: «هرکه به ملوک نزدیکی جوید برای طمع قوت نباشد که شکم به هر جایی و به هر چیز پُر شود. فایدهٔ تقرب به ملوک رفعت منزلت است و اصطناع دوستان و قهر دشمنان» (همان: ۶۲).

۳-۱-۲. کلیله

او به اندازهٔ دمنه در جریان داستان حضور فعال ندارد. بر اساس روساخت متن، شخصیتی محبوب و قابل احترام است، دوست و مشاور دمنه است و تا آخرین لحظه پیمان دوستی‌اش را حفظ می‌کند. به مثابهٔ وجدان اخلاقی دمنه، غالباً با وی اختلاف عقیده دارد و همین امر موجب معرفی، هویت‌بخشی و شناخت بهتر دمنه می‌گردد. مهم‌ترین وجوه

شخصیت او را می‌توان این‌گونه خلاصه کرد: ۱. زیرک و خردمند است. راوی در اولین گزارش خود، او را به دُها و زیرکی توصیف می‌کند: «در میان اتباع او دو شغال بودند یکی را کلیده نام بود و دیگری را دمنه، و هر دو دُهای تمام داشتند» (همان: ۶۱)؛ ۲. محافظه‌کار است و همواره به دمنه توصیه می‌کند از نزدیک شدن به قدرت خودداری کند. مهم‌ترین ویژگی و جامع خصال او همین اصل محافظه‌کاری است؛ ۳. به وضع موجود راضی است و جایگاه خود را در نظام طبقاتی پذیرفته است: «کلیده گفت: آن طبقه نیستیم که به مفاوضت ملوک مشرف توانند شد تا سخنان ایشان به نزدیک پادشاهان محل استماع تواند یافت از این حدیث درگذر» (همان: ۶۲)؛ ۴. اهل مبارزه و هزینه کردن برای کسب قدرت نیست و همواره فاصله خود با قدرت و با دمنه را حفظ می‌کند؛ ۵. مشاور و محرم راز دمنه است. پوشیده و بسیار محتاطانه، دمنه را به کسب قدرت تحریض می‌کند؛ ۶. رابطه مسالمت‌آمیز با نهاد قدرت دارد و به همین دلیل متن از او تصویری «مطلوب» ارائه می‌کند؛ اما کلیده، برخلاف دمنه شخصیت «محبوب» متن است؛ زیرا او ارزش‌های مورد نظر نظام سیاسی را پذیرفته و خواهان تغییر آن نیست.

۳-۱-۳. شیر

از گذشته تا کنون، شیر در فرهنگ هندواروپایی نقش محوری داشته و هنوز نیز این جایگاه را در نشانه‌های سیاسی، ورزشی و اقتصادی این حوزه فرهنگی حفظ کرده است. در باب اول، شیر در رأس هرم قدرت جای دارد. این شخصیت اما در داستان به اندازه کلیده و دمنه نقش و کارکرد ندارد. براساس نظام سیاسی متن، شخصیت شیر (پادشاه) منشأ و صاحب قدرت است. مهم‌ترین صفات شیر جوانی، استبداد و بیمناکی اوست. به همین دلیل به تنهایی از اداره امور عاجز است و به کارگزارانی نیاز دارد که اداره امور را به دست بگیرند و به او مشورت دهند.^{۲۶} در واقع شخصیت رای و برهمن در آغاز هر باب مابازای حقیقی شیر و طبقه نخبه (مانند گاو، دمنه و کلیده) در روایت داستانی است. نظام سیاسی مطلوب و مورد پذیرش این اثر با این ساختار که در آن نهادهای سیاسی، دینی و نخبه با یکدیگر به تشریک مساعی می‌رسند، انطباق دارد و در نتیجه این الگوی در همه باب‌ها تکرار می‌شود. در این باب و باب‌های مشابه، پادشاه

صاحب اصلی قدرت، مشورت خواه، منعطف در برابر طبقه نخبه (برهمنان / درباریان) و گاه بازیچه دست آنها قرار می‌گیرد.^{۲۷} در واقع میان پادشاه و طبقه نخبه یک رابطه متناظر برقرار است. پادشاه برای حکومت و طبقه نخبه برای اداره امور به یکدیگر نیاز دارند.

شخصیت‌های دیگر این باب فرعی به شمار می‌آید. حتی شنزبه و شتر، به‌رغم موقعیتی که در ساختار قدرت دارند، به‌علت بی‌بهرگی از خرد متناسب با معیارهای متن (زیرکی، دوراندیشی و درک مقتضیات زمانی و بی‌اعتماد بودن به دیگری)، با وجود قدرت جسمانی، قربانی می‌شوند و سرنوشتی غم‌انگیز می‌یابند.

۲-۳. باب «دوستی کبوتر و یارانش»

این باب دومین بابی است که از پنجه‌تترا گرفته شده و بیشتر بر اخلاق سیاسی تأکید می‌کند. عصاره این باب را می‌توان در توصیه متن به خردمندی و تبیین نحوه تعامل میان هرم قدرت، رعیت (مردم) و «دیگری» خلاصه کرد. این دو ویژگی رابطه طولی این متن را با باب قبلی برقرار می‌کند. مخاطب که در باب اول در داستان اصلی، با پیمان‌شکنی‌های متعدد در عالم سیاست روبه‌رو می‌شود، در این باب به نقش پیمان‌های دو یا چند جانبه در مقابله با دشمنان، به‌خصوص دشمنان خارجی، پی می‌برد (باب اول بر سازکار قدرت در سیاست داخلی و این باب بر ارتباط با دیگران یا سیاست خارجی پای می‌فشارد).

در این باب و به‌طور کلی در متون گذشته، زاغ نماد خرد است.^{۲۸} او وضعیت مطوقه و یارانش و نحوه تعامل آنها با موش را الگویی موفق می‌یابد و خواهان اتحاد و پیمان با آنهاست. مطوقه پادشاهی مطلوب ترسیم شده است که اصول خردمندی و لوازم ریاست را می‌شناسد و توان تعامل و مشورت با زیردستان را دارد و همین امر به تصمیم‌گیری‌های سنجیده می‌انجامد (همان: ۱۶۱). مطوقه در سیاست خارجی شیوه تعامل و دوستی با دیگران را برگزیده است و می‌تواند در موقعیت‌های حساس، زیردستانش را از منافع تعامل و دوستی با دیگران برخوردار کند. موش، سومین شخصیت مهم در این باب، از دو ویژگی برجسته خردمندی و وفای به‌عهد برخوردار

است. در این باب، زاغ و موش نماد طبقه نخبه به‌شمار می‌آیند. اگرچه این باب از نظر محتوایی باب مهمی نیست و با ساختار دیگر باب‌ها سنخیت زیادی ندارد، زیرکی، برخورد خردمندانه با مشکلات و احتیاط و محافظه‌کاری، وجوه مشترک این سه شخصیت با دو شخصیت اصلی باب اول است.

۳-۳. باب «بومان و زاغان»

طرح جالب این داستان در ادبیات و تاریخ مسبوق به سوابق بسیار است.^{۲۹} در این باب نیز، ساختار نظام سیاسی مشابه باب نخست است. پادشاه در رأس هرم قدرت قرار دارد و مشاوران و طبقه نخبه او را در اداره مملکت یاری می‌دهند. زاغ که در دیگر داستان‌های متن نیز نماد خرد است، پس از مشورت با وزیران برای مقابله با بومان، در نهایت نظر خردمندترین وزیر خود را که از عیوبی همچون حقارت شکست، قبول مالیات و اولویت جنگ میراست، می‌پذیرد. از نکات جالب توجه جانبازی و فداکاری وی در راه مصالح جمعی است. این رفتار قاعدتاً خلاف خرد منفعت‌اندیش طبقه نخبه است؛ اما راوی این ویژگی ستودنی را که نشانه شجاعت و قدرت خطرپذیری در مواجهه با موقعیت‌های حساس است، به طبقه خود (طبقه نخبه) نسبت می‌دهد. این ویژگی در دمنه، وزیر پنجم زاغ، فنزه و... نیز دیده می‌شود.

در باب «بومان و زاغان» نیز، با نظام سیاسی مشابهی مواجهیم. بومان پس از آنکه زاغ را مجروح و زخمی یافتند، انجمنی می‌سازند. پادشاه از وزیران خود مشورت می‌طلبد و در نهایت با ترحم به زاغ مجروح و پذیرش وی، تصمیمی فاجعه‌بار می‌گیرد. پادشاه بومان اخلاق را بر خرد سیاسی منفعت‌اندیش مقدم می‌دارد و مرتکب خطایی جبران‌ناپذیر می‌شود. از نظر ماکیاولی، مهم‌ترین اشتباه چنین پادشاهی آمیختن اخلاق با سیاست است (ماکیاولی، ۱۳۶۶: ۸۶). اشتباه دیگر او نادیده گرفتن نظر طبقه نخبه است. پادشاه بومان به هشدارهای مکرر وزیر خردمند خود بی‌توجهی می‌کند (امری که در نهایت نابودی او را در پی دارد). وزیر فریب‌کار زاغان نیز از نظر متن، به دلیل برخورداری از خرد، شایسته احترام است؛ به عبارت دیگر، متن به‌عنوان محصول طبقه نخبه، تمام افراد طبقه خود، چه دوست و چه دشمن، را می‌ستاید. این ستایش در واقع

تمجید طبقه نخبه از عملکرد تاریخی خود است (منشی، ۱۳۷۳: ۲۳۶). توسل به خرد^{۳۰} شخصیت این دو وزیر (وزیر پنجم زاغان و وزیر مخالف بومان) را به دمنه نزدیک می‌کند.

یکی از شخصیت‌های فرعی این باب که واگویه‌هایش در سپهر سیاسی کلیله و دمنه اهمیت اساسی دارد، زاغی است که در ابتدای داستان با اظهارنظرش موجبات کدورت بومان و زاغان را فراهم آورده است. سخنان او برآمده از تفکری است که محافظه‌کاری و سکوت را بر تندروی، صراحت و شفافیت برتری می‌نهد و آن را از اضلاع خردمندی می‌داند. متن در ریشه‌شناسی دشمنی زاغ و بوم، به ماجرای بیعت پرندگان با بوم برای پادشاهی بر آن‌ها اشاره می‌کند. در مجمع پرندگان، زاغ تنها پرنده‌ای است که با پادشاهی بومان مخالفت می‌کند و سپس از اینکه لحظه‌ای غفلت کرده و از اصل مهم محافظه‌کاری عدول نموده، سخت پشیمان می‌گردد و خود را سرزنش می‌کند:

نادانی کردم و برای خود را و قوم خود را خصمان چیره‌دست و دشمنان ستیزه‌کار الفغدم و به هیچ تأویل از دیگر مرغان بدین نصیحت سزاوارتر نبودم و طایفه‌ای که بر من تقدم داشتند این غم نخوردند اگرچه معایب بوم و مصالح این مفاوضات از من بهتر می‌دانستند لکن در عواقب این حدیث و نتایج آن اندیشه‌ای کردند که فکرت من بدان نرسید و مضرت و معایب آن نیکو بشناخت (همان: ۲۱۰).

محافظه‌کاری که در متن از آن به خردورزی یاد می‌شود، این شخصیت را بسیار به شخصیت کلیله شبیه می‌سازد.

شخصیت وزیر پنجم زاغان از دیگر شخصیت‌های مهم این باب است. این وزیر طراح نقشه‌ای بسیار ماهرانه است و با طرح یک توطئه، موفق می‌شود بومان را که از نظر قدرت بر آن‌ها برتری دارند، شکست دهد. سلاح مؤثر او و طبقه نخبه در جدال برای کسب قدرت و نابود کردن دشمنان داخلی و خارجی، خرد است: «[...] و نیز دشمن را به رفق و مدارا نیکوتر و زودتر مستأصل توان گردانید که با جنگ و مکاره و از اینجا گفته‌اند خرد به که مردی» (همان: ۲۳۲-۲۳۳).

شخصیت وزیر زاغان از جهات مختلف به دمنه شباهت دارد؛ همانند او سخت به خرد و اصول عقلی باور دارد، خود را آماده فداکاری در راه مخدوم می‌داند و هدفی را برای خود تعیین می‌کند و با تمام وجود برای تحقق یافتن آن می‌کوشد. در اندیشه سیاسی او، این هدف ارزشمند است؛ چون هم باعث تقرب و افزایش قدرت او می‌شود و هم مصالح عمومی را تضمین می‌کند. از سوی دیگر این شخصیت به دلیل اینکه حامل بخشی از شخصیت کلیله است، به شخصیت آرمانی نظام سیاسی مطلوب کتاب نزدیک است. شخصیت او ترکیبی از ویژگی‌های مطلوب متن همچون محافظه‌کاری، خردمندی و شجاعت است؛ از این رو می‌توان شخصیت او را ترکیبی از بارزترین عناصر شخصیتی کلیله و دمنه دانست. همین ویژگی‌هاست که نظام سیاسی او را تا حد یک قهرمان برمی‌کشد و می‌ستاید.

۴-۳. باب «بوزینه و باخه»

در این باب، شخصیت کاردانا به دمنه شباهت بسیار دارد. او نخست مثل دمنه موقعیت خود را از دست می‌دهد و در تلاش است که موقعیت سابق را بازیابد. کاردانا خرد سیاسی را بر احساسات و اصول اخلاقی ترجیح می‌دهد. علاوه بر این، همانند دمنه از فراست که آمیزه‌ای از نشانه‌شناسی و روان‌کاوی است، برخوردار است و از این دانش برای پردازش اطلاعات و استدلال‌های خود بهره می‌گیرد. گره اصلی این داستان آن لحظه حساسی است که وی باید تصمیمی فوری و حساس بگیرد که سرنوشت مرگ و زندگی او را تعیین می‌کند. کاردانا با درک موقعیت و تحلیل نشانه‌های رفتاری باخه، احساسات را کنار می‌گذارد و با تمسک به اصول خرد موفق می‌شود خود را نجات دهد. در اینجا رفتار او یادآور داستانک سه ماهی و صیاد است. کاردانا، همانند ماهی دوم، در موقعیتی دشوار قرار می‌گیرد؛ ولی این موقعیت با همه دشواری خرد او را نمی‌پوشاند. نشانه‌شناسی، خردمندی، فصاحت و زبان‌آوری، تصمیم‌گیری سریع، واکنش بجا و دوری از احساسات همان اصولی است که در توصیف دمنه نیز ذکر شده است.

۵-۳. باب «گربه و موش»

این باب داستان موشی است که در معرض خطری بزرگ قرار گرفته و دشمنان از هر سو او را احاطه کرده‌اند. در چنین شرایط دشواری، موش از همان اصولی متابعت می‌کند که شخصیت‌های دیگری همچون دمنه، کاردانا و زاغ آن‌ها را به‌کار برده‌اند. علاوه بر این، او مصلحت‌اندیش است و در دوستی، منافع و مضار را به‌خوبی بررسی می‌کند. برای چنین شخصیت سیاسی و زیرکی، دوستی و دشمنی مفهومی سیاسی دارد و تابع شرایط است. موش ابایی ندارد که سیاست را از اخلاق جدا کند. از نظر اخلاقی، برخی اصول او پذیرفته نیست؛ اما در عالم واقعی و در سیاست عملی، این اصول لازمه بقای اوست. موش خود را قدرتی کوچک و ضعیف می‌داند که اگر فاصله خود را با قدرت بزرگ‌تر (گربه) حفظ نکند و نتواند براساس شرایط موجود، در روابط خارجی خود تعادل برقرار کند، خیلی زود نابود می‌شود. به همین دلیل به‌رغم رابطه خوبی که بین آن‌ها برقرار شده و گربه نیز بر تداوم آن اصرار دارد، او پیشنهاد دوستی یک نیروی قاهر قوی با یک نیروی ضعیف بی‌دفاع را خردمندانه نمی‌بیند و آن را رد می‌کند.

۶-۳. باب «زاهد و راسو»

این باب کوتاه چه در سبک و چه در شخصیت‌پردازی با هفت باب دیگر تفاوت‌هایی دارد؛ با این حال، طبق منابع موجود، در اصالت آن شکی وجود ندارد. دو شخصیت اصلی این باب، یعنی زاهد و راسو، یکی انسان و دیگری حیوان است. این نوع شخصیت‌پردازی در باب «پادشاه و فنزه» نیز تکرار شده است. محتوای سیاسی باب نیز کم‌رنگ‌تر از دیگر باب‌هاست. البته با تحلیل نشانه‌ها و نمادهای متن، در ساختار آن با باب‌های دیگر مشابهت‌هایی نیز دیده می‌شود. زاهد، مانند پادشاه، در جایگاه قدرت و سلطه قرار دارد و راسو در خیرخواهی و تمشیت امور نماد طبقه نخبه است. زاهد بی‌آنکه بررسی لازم و شایسته‌ای انجام دهد، راسو (وزیر) را مجازات می‌کند. حقیقت ماجرا و بی‌گناهی و خردمندی راسو زمانی مشخص می‌شود که دیگر او در میان نیست. هدف برزویه از اضافه کردن این باب، اصلاح اخلاق فردی پادشاه و به‌خصوص بالا بردن قدرت صبر و تحمل طبقه قدرت در برابر طبقه نخبه و درباریان است. برزویه در

تاریخ سیاسی مشاهده کرده است که بسیاری از افراد طبقه نخبه جان خود را به دلیل تصمیمات آنی و غیرمسئولانه پادشاه از دست داده‌اند. این ساختار و مضمون در داستان‌های متعددی از کلیله و دمنه تکرار شده و بیانگر ترس دائمی طبقه نخبه از تصمیم‌های شتاب‌زده طبقه قدرت است.

۷-۳. باب «پادشاه و فنزه»

یکی از باب‌های بسیار جذاب و مهم کلیله و دمنه این باب است. در این باب، همچون باب اول، طرح داستان براساس رقابت و جدال میان پادشاه و طبقه وزرا و نخبگان پی‌ریزی شده است. تفاوت فنزه و دمنه در این است که دمنه زندانی قدرت پادشاه است و فرصت بیرون رفتن از این زندان و دایره قدرت را ندارد. دمنه به‌ناچار در گفت‌وگو با هرم قدرت، خواسته یا ناخواسته، مجبور است از آن متابعت کند و در نهایت اعتراضی به نهاد قدرت در گفته‌های او دیده نمی‌شود و حتی اگر براساس رویکرد شالوده‌شکنانه او، خود مهم‌ترین قربانی قدرت باشد، چاره‌ای جز پناه بردن به پادشاه، یعنی همان قدرتی که به تقلیل قدرت و نابودی او تصمیم گرفته است، ندارد. فنزه اما در واپسین لحظات، از این دایره یا زندان قدرت خود را رها می‌کند و در موقعیتی نسبتاً برابر با هرم قدرت به گفت‌وگو با آن می‌پردازد. وی در این گفت‌وگوها، هم‌زمان سه موضوع واکاوی قدرت، روان‌کاوی صاحبان قدرت و پیامدهای اجتماعی اعمال قدرت بی‌حد و حصر را تحلیل می‌کند.

فنزه با دمنه مشترکات فراوان دارد. هر دو از یک طبقه‌اند. او خردمند، زبان‌آور و مسلط به زبان سیاسی است، هم‌جانب پادشاه را رعایت می‌کند و هم از مواضع خود کوتاه نمی‌آید، مانند شنزبه ساده‌لوح نیست و سخن پادشاه و درباریان را باور نمی‌کند، قدرت تحلیل دارد و سعی می‌کند تمام جوانب امور را بررسی کند. همین دلایل باعث می‌شود شخصیت او تکامل‌یافته‌تر از دمنه باشد؛ اما نه آن‌قدر کامل که بتوان با وجود همه مشکلات، مانند شگال، در کنار قدرت بایستد و امور را مدیریت کند. با این حال، او چگونگی کارکرد قدرت در نظام سیاسی را می‌شناسد و برخلاف دمنه با حفظ فاصله انتقادی با پادشاه، شانس بقا و قربانی نشدن را برای خود حفظ کند. این باب در مجموع

نقدی بسیار مهم و کم‌سابقه در ادبیات سنتی بر ماهیت قدرت و اخلاق سیاسی است. انتخاب نمونه‌ای از گفت‌وگوهای وی با پادشاه بسیار دشوار است. یک مورد کوتاه برای نمونه ذکر می‌شود:

من گرم‌وسرد جهان بسیار دیده‌ام و به‌حقیقت بشناخته که هرکه بر پشت کره‌خاکی دست خویش مطلق دید، دل او چون سرِ چوگان به همگنان کژ شود و بر اطلاق فرق مروت را زیر قدم بسپرد و روی آزرَم و وفا را خراشیده گرداند (همان):

(۲۹۲).

شخصیت فنزه کامل‌تر و جذاب‌تر از دمنه است. فنزه، همچون نیچه^{۳۱}، کسب قدرت و قدرتمند بودن را فضیلت می‌داند و از آن برای جلب منافع شخصی و اداره‌ی مصالح عمومی بهره می‌برد؛ اما توان آن را دارد که اگر این اهداف میسر نشود، به‌موقع از قدرت فاصله بگیرد و در مقابل آن شجاعانه بایستد و مقتدرانه آن را نقد کند. فنزه یکی از نمایندگان طبقه‌ی نخبه در شرق است که در عالم واقعی سیاست، مابازاهای انسانی بسیار کمی برای آن یافت می‌شود. خاندان برامکه، خاندان سهل نوبختی، جوینی، امیرکبیر و قائم‌مقام تا حدودی به وی شباهت دارند؛ با این تفاوت که آن‌ها برخلاف فنزه در نهایت قربانی قدرت شده‌اند.

۸-۳. باب «شیر و شغال»

این باب به داستان کلیله و دمنه بیشترین شباهت را دارد و گویی نسخه‌ی تغییریافته و حتی تکامل‌یافته آن است. شغال شخصیتی ترکیبی است که مواد و مصالح آن را نویسنده از ترکیب شخصیت دمنه، شنزبه و کلیله ساخته است. داستان اصلی باب به مسئله قدرت و روابط سیاسی درون حکومت مربوط می‌شود. شغال هم‌رتبه شنزبه و دمنه است و مانند آن‌ها درگیر رقابت‌های سیاسی درون ساختار قدرت می‌شود و در معرض تهمت‌های گوناگون قرار می‌گیرد. همانند باب اول، این وزیر اداره امور را بر عهده دارد و باید میان علایق شخصی، اراده پادشاه، درباریان و منافع عامه تعادل برقرار کنند؛ مسئله‌ای بسیار پیچیده که در جغرافیای سیاسی کلیله و دمنه (هند، ایران و عرب)، از طبقه وزیران قربانیان زیادی گرفته است.

شغال عقل و خردمندی دمنه و صداقت شنزبه را توأمان دارد و از اصول محافظه‌کاری کلیله نیز برخوردار است. واقع‌گراست و بلندپرواز نیست. سازکار قدرت را در جامعه‌اش می‌داند و آن را ناپسند می‌شمارد. برخلاف دمنه به دنبال قدرت نیست، بلکه قدرت در پی اوست. در مقایسه با دمنه، از خطرهای نزدیکی به قدرت بی‌حد و حصر هرم قدرت درک عمیق‌تری دارد. با این حال، به دلیل توانایی و تعلقش به گروه نخبه، در برابر اصرار نهاد قدرت چاره‌ای جز پذیرش مسئولیت ندارد. امتیاز دیگر او بر دمنه دوراندیشی و پیش‌بینی اوست. این دو اصل که به نشانه‌شناسی و فراست نیز قابل تعبیر است، از مهارت‌های مطلوب و مورد انتظار راوی از طبقه نخبه و کارگزاران سیاسی است.

شغال درک درستی از بی‌ثباتی و ناپایداری شرایط عمل سیاسی دارد و توصیه‌های مکرر راوی درخصوص اعتماد نکردن به دیگران را که در ضرب‌المثل «ظن بسایر الإخوان شرا» به ایجاز بیان شده، جدی می‌گیرد. نگاه او به اطرافیان و پدیده‌ها بدبینانه و محتاطانه است و فهم دقیق‌تری از ساختار قدرت در نظام سستی دارد و با برقراری ارتباط با نزدیک‌ترین افراد هرم قدرت (مادر شاه)، برای خود حاشیه امن ایجاد می‌کند؛ در حالی که دمنه (رادیکال)، بدون درک قوانین عرفی و اختلاف با دربار (مادر شاه) زمینه سقوط خود را فراهم می‌کند. او همچنین بیشتر از سایر همتایان سیاسی خود، به اخلاق پایبندی نشان می‌دهد، در مجموع گویی شغال مطلوب‌ترین شخصیت طبقه نخبه است که راوی به دنبال وی بوده و سرانجام آن را در آخرین باب می‌جوید و می‌سازد.

همان‌گونه که وزیر (شغال) در این باب به کمال مطلوب رسیده، شخصیت شیر نیز خردمندتر از همتای خود در باب اول شده است. نه فقط دیگر از جوانی و بی‌تجربگی او سخنی در میان نیست، بلکه پادشاهی است که وزیر خود را با آزمون و امتحان برمی‌گزیند. از عیوب عمومی و مشترک همتایان خود برکنار نیست: عجول است و تصمیم نابهنگام می‌گیرد، خشم خود را به موقع فرو نمی‌نشاند، اسیر دسیسه و توطئه درباریان می‌شود و عهد و پیمان را به آسانی فراموش می‌کند. با چنین توصیف‌هایی از نهاد قدرت، درواقع راوی به طبقه نخبه هشدار می‌دهد که هرم قدرت حتی در بهترین حالت نیز خطرناک و غیرقابل اعتماد است.

با بررسی هشت باب مذکور به نظر می‌رسد برزویه باب‌ها را هدفمند برگزیده است. مجموعه باب‌های کلیله و دمنه یک گفتمان سیاسی، برنامه «سیاست عملی جامع» یا نقشه راه برای سیاست‌ورزی و کشورداری در نظر گرفته و به حاکمان سیاسی توصیه شده است. هر باب بخشی از نیازهای سیاست‌ورزی در دنیای سنتی، مثل سیاست داخلی، سیاست خارجی، تعامل با درباریان و رعیت، و اخلاق فردی پادشاه، را پوشش می‌دهد. عامل دیگری که این باب‌ها را به هم متصل می‌کند، قهرمانان یا شخصیت‌های اصلی هستند. این شخصیت‌ها با وجود اختلاف در نام و مشخصات ظاهری، مشترکات بسیار دارند. نویسنده، خودآگاه یا ناخودآگاه، در گزینش داستان به مشابهت آن‌ها با شخصیت‌های باب اول توجه کرده است. نکته جالب توجه دیگر این است که باب‌ها یک روند و سیر تکاملی را طی می‌کنند تا اهداف اصلی گردآوری متن را که شامل تربیت نظام سیاسی، تعدیل قدرت و سازواری میان طبقه قدرت و نخبه می‌شود، برآورده سازند. با این برداشت، کلیله و دمنه چندان بی‌شبهت به یک روایت بلند یا رمان (به‌خصوص از نوع رمان‌های پست‌مدرنیستی) نیست که با باب «شیر و گاو» شروع می‌شود و با نسخه تکامل‌یافته آن در باب «شیر و شگال» به پایان می‌رسد. هر باب/فصل به مخاطب اجازه می‌دهد که به صورت متنی پیوسته یا به گونه‌ای مستقل خوانده شود؛ اما این خودبستگی باب‌ها به معنای استقلال کامل نیست؛ آن‌ها جزئی از یک کلان‌روایت است که فقط با درک رابطه طولی میانشان، اهداف گفتمانی مؤلف درک می‌شود.

۴. نتیجه

کلیله و دمنه اثری است که «از طرف گروه نخبه» «برای نهاد قدرت» نوشته شده است. این هدف گفتمانی چگونگی ساخت روایت یا نحوه گزینش باب‌ها و تنظیم آن‌ها را مشخص می‌کند. عامل پیوند باب‌ها و انسجام روایت در شکل کنونی کلیله و دمنه، یک ساختار کلیشه‌ای و اقتباسی است که از گفت‌وگوی «رای و برهن» حاصل می‌شود؛ اما از آنجا که خود متن به دخل و تصرف‌هایی که در آن شده، اذعان دارد و تحقیقات متأخر نیز نشان داده که باب‌هایی بر آن افزوده شده، این ساختار روایی ساختگی و نامنسجم

به نظر می‌رسد. ساختگی به این معنا که باب‌های افزوده‌شده از طریق ساختار گفت‌وگویی «رای و برهن» به متن اصلی اضافه شده و نامنجم از این نظر که به جز باب اول رابطه‌ای میان عنوان کتاب با سایر باب‌ها برقرار نیست و ارتباط این باب‌ها با هم نیز ضعیف و نامشخص است. برپایه فرضیه مطرح‌شده، اگر به باب‌های اصلی توجه کنیم، این نگرش تغییر می‌کند و مشخص می‌شود که این اثر مجموعه‌ای آشفته از حکایات نیست، بلکه برزویه باب‌های اصلی را هدفمند برگزیده و در قالب گفت‌وگوی «رای و برهن» تدوین و تنظیم کرده است. این ساخت روایی با ساخت گفتمانی که سطح زیرین روایت را در بر می‌گیرد و هدف نهایی آن «سازواری میان نهاد قدرت و گروه نخبه» است، هماهنگی و سنخیت دارد.

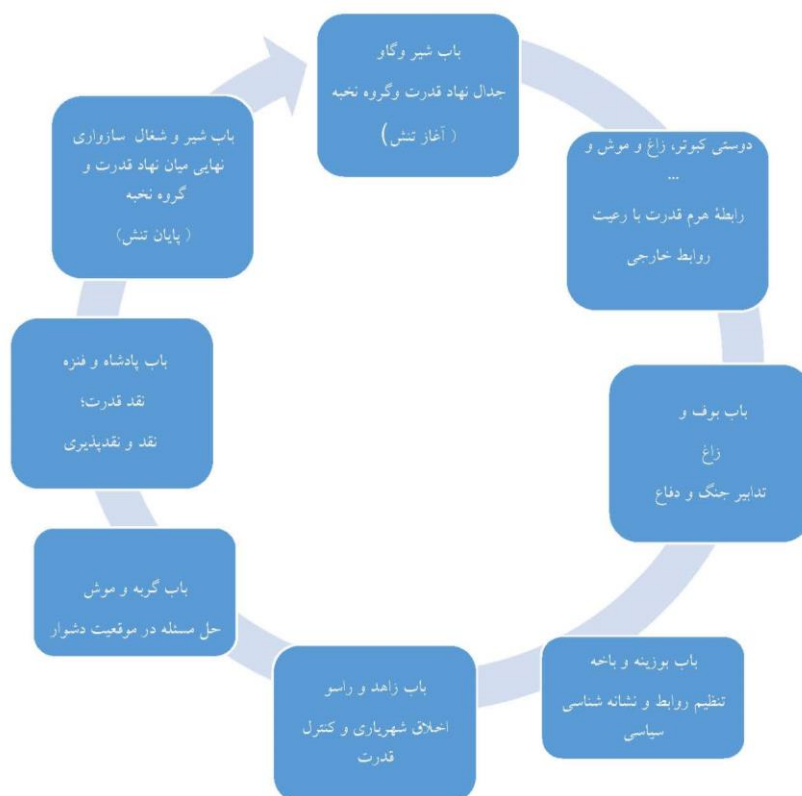
برای درک معیارهای گزینش برزویه، دقت در باب اول و به‌ویژه دو شخصیت اصلی آن، یعنی «کليلة» و «دمنه»، بسیار ضروری است. این باب و این دو شخصیت چنان جاذبه‌ای برای مؤلف داشته که وی داستان‌های دیگر را براساس ویژگی‌های این باب و شخصیت‌های آن انتخاب کرده است. در نظام سیاسی متن، شاه از بالاترین قدرت و آزادی عمل برخوردار است و درباریانی گرداگرد او نقش‌آفرینی می‌کنند که از نظر شخصیت و عملکرد، مشابهت فراوانی با دو شخصیت کليلة و دمنه دارند. این شخصیت‌ها یا مشابه این دو شخصیت یا ترکیبی از آن دو هستند. همین تکرار یا مشابهت شخصیت‌ها با سه شخصیت اصلی (شیر، کليلة و دمنه) نوعی رابطه طولی میان باب‌ها ایجاد می‌کند. موضوع مهم دیگر فرایند تکاملی شخصیت‌هاست. باب‌ها و حکایت‌ها به گونه‌ای تنظیم شده که یک فرایند تکاملی در کل اثر دیده می‌شود. شخصیت‌ها مرحله‌به‌مرحله و باب‌به‌باب در سیاست‌ورزی پخته‌تر می‌شوند؛ برای مثال شخصیت شغال نسبت به همتای خود در باب اول، یعنی دمنه، بسیار مدبرانه‌تر عمل می‌کند. از این لحاظ گویی با رمانی مواجهیم که شخصیت‌ها پس از پشت‌سر گذاشتن یکسری اتفاقات، به تغییرات مورد نظر راوی دست می‌یابند.

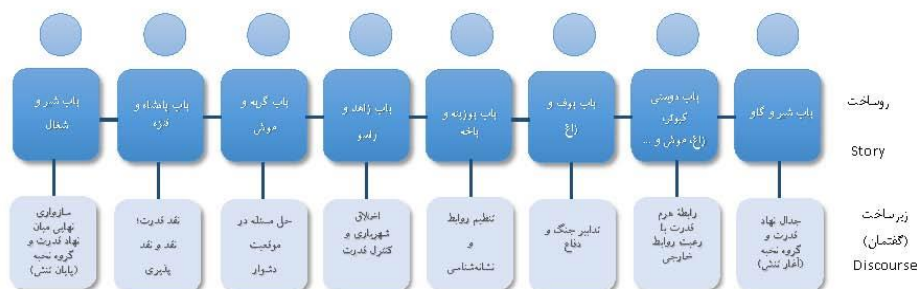
در میان شخصیت‌ها، مهم‌ترین طیف شخصیتی مربوط به دمنه است. وزیر پنجم زاغان، موش، کاردانا، پیروز سفیر خرگوشان به پیلان، فنزه و شغال در زمره شخصیت‌هایی هستند که عملکرد آن‌ها به دمنه بسیار نزدیک است. برخلاف روساخت

متن که در آن دمنه شخصیت منفی معرفی می‌شود، این شخصیت، به‌خصوص در قالب شخصیت‌های تکامل‌یافته بعدی، از بیشترین خصوصیات مطلوب و آرمانی مؤلف برخوردار است. در باب «شیر و شغال»، شغال مطلوب‌ترین شخصیت و نسخه تکامل‌یافته دمنه و الگویی است که مؤلف به نظام سیاسی و طبقه نخبه معرفی و توصیه می‌کند. این شخصیت معیارهای مطلوب هرم قدرت و طبقه نخبه را در خود جمع کرده است و در نتیجه متن تصویری کاملاً مثبت از وی ارائه می‌کند.

براساس نتایج پژوهش، جایگاه باب‌ها و شیوه تبویب داستان‌ها از الگو و نظم مشخصی پیروی کرده است. در واقع نظریه سیاسی متن به‌منزله یک گفتمان است که باب‌ها و داستان‌های فرعی نقش پارادایم‌ها و گزاره‌های انسجام‌دهنده آن را ایفا می‌کنند. باب اول، به‌عنوان اولین و مهم‌ترین گزاره، به رقابت‌های سیاسی درون دایره قدرت می‌پردازد و در جایگاه نخست قرار می‌گیرد. این گزاره به این معناست که رقابت درون نهاد قدرت مهم‌ترین نگرانی گفتمان مزبور است. رقابت‌های سیاسی و جنگ قدرت میان درباریان، طی یک مسیر دایره‌وار در باب «شیر و شغال» دوباره مطرح می‌شود؛ اما این بار در قالبی تکامل‌یافته که در آن، رابطه نهاد قدرت و طبقه نخبه پس از عبور از مشکلات و دشواری‌های متعدد، حل شده و شکلی مطلوب و آرمانی به خود گرفته است. باب‌های دیگر به‌مثابه گزاره‌هایی است که به‌ترتیب به مسائلی مانند مدیریت و رهبری، روابط خارجی، تدابیر جنگ و دفاع، فراست و نشانه‌شناسی و خودسازی و اخلاق فردی پادشاه می‌پردازد. این گزاره‌ها مهم‌ترین مسائل گفتمان سیاسی مؤلف است که وی سعی کرده در چارپوب زبانی غیرمستقیم (داستان تمثیلی) به نهاد قدرت تقدیم کند. اصلی‌ترین مسئله این گفتمان، سامان‌دهی رقابت درون قدرت است که در باب اول مطرح و در باب آخر حل شده است. باب‌هایی که بعدها به باب‌های اصلی افزوده شده، نیز کم‌وبیش الگوی اثر را پیش چشم داشته است؛ مثلاً در باب «پادشاه و برهمنان» با طرحی مشابه باب «شیر و گاو» و «شیر و شغال» در دنیای واقعی انسانی روبه‌رو می‌شویم. در واقع می‌توان کلیه دمنه (اصلی) را مانند رمانی در نظر گرفت که باب‌های آن مثل فصل‌های رمان، هدفمند طراحی و انتخاب شده؛ با این تفاوت که این رمان بیشتر شبیه داستان‌های پست‌مدرنیستی است که ضمن ارتباط داشتن فصل‌ها،

امکان خوانش مستقل هر فصل به صورت مجزا نیز برای مخاطب فراهم است. رشته‌های نامریبی که اجزای این رمان را به هم متصل می‌کند و بدان انسجام می‌بخشد، محتوا، فرم تمثیلی و شخصیت‌های مشابه با کنش‌های مشترک است.





پی‌نوشت‌ها

1. Anthology

2. Montage

۳. روایت‌پردازان **کلیده** و **دمنه** برای ایجاد انسجام یا رابطه طولی میان باب‌ها از ساختار یا الگویی ثابت استفاده می‌کنند که در آن، رای (پادشاه هند) از برهمن می‌خواهد درباره موضوعی خاص که مرتبط با مطالب قبلی است، یک حکایت یا روایت داستانی بیان کند و برهمن با بهره‌گیری از شکل روایی داستان‌درداستان، مفهوم مورد نظر پادشاه را تشریح می‌کند؛ مثلاً: «رای فرمود برهمن را بیان کن از جهت من مثل دو تن که [...] برهمن گفت: [...]». در واقع اتفاقات باب پیشین دست‌مایه تشریح موضوعی تازه در باب بعد می‌شود.

۴. در باب «بازجست دمنه» نیز این شخصیت‌ها حضور دارند؛ اما این باب الحاقی است.

۵. انسجام به معنای آنچه اجزای باب‌ها را به هم می‌پیوندد و هستی کتاب را به عنوان متنی واحد تعریف می‌کند.

6. Parol

7. Languge

۸. براساس بررسی‌هایی که تا کنون انجام شده، حکایت‌های **کلیده** و **دمنه** دو منبع اصلی داشته است: **پنجه‌تنترا** و **مه‌بهاراتا**. **پنجه‌تنترا** پنج باب دارد: ۱. متربهد یا همان باب شیر و گاو؛ ۲. متراسنپراپت یا باب دوستی کیوتر و زاغ و موش؛ ۳. کاکولوکی یا باب بوم و زاغ؛ ۴. لبدپرناس یا باب بوزینه و باخه؛ ۵. اپریچت‌کارتا یا باب زاهد و راسو. این پنج باب با پنج باب **کلیده** و **دمنه** به‌طور کامل مطابقت دارد (عباسی، ۱۳۶۳: ۸۹). دیگر منبع مهم برزویه حماسه عظیم **مه‌بهاراتا** است. براساس نظر دوبلوا (۱۳۸۲: ۳۸)، سه داستان «موش و گربه»، «شاه و فنزه» و «شیر و شغال» و همچنین دو داستانک «سه ماهی» و «مردی که از پیش شتر مست می‌گریخت» از این اثر گرفته شده است. بنابراین می‌توان اطمینان داشت که حداقل هشت باب این کتاب از ادبیات هندی اقتباس و انتخاب شده است. باب‌های دیگر یا از طرف خود برزویه یا از طرف ابن‌مقفع به این هشت باب اضافه

شده است؛ برای مثال تحقیقات متأخر ثابت کرده که دو باب «برزویه طیب و بازجست دمنه و باب برزویه طیب» از طرف مترجم به اصل عربی افزوده شده است (محبوب، ۱۳۴۹: ۱۲۱).

9. Panchatantara

10. Antoine Issac Silvester de Sacy

11. Montage

۱۲. همان‌طور که گفته شد، برزویه و دیگر مترجمان و مؤلفانی که باب‌هایی را بر متن افزوده‌اند، برای تدوین و پیوستن افزوده‌ها از یک تکنیک اقتباسی واحد، یعنی گفت‌وگو میان رای و برهمن، استفاده کرده‌اند تا رابطه ساختگی میان باب‌ها را برقرار سازند.

۱۳. در دنیای علم و ادب، هیچ کتابی را سراغ نداریم که مانند این کتاب سرمشق اخلاق و راهنمای زندگی قرار گرفته و نزد خاص و عام بلندآوازه باشد (بهار، ۱۳۴۹: ۲/۲۵۳).

۱۴. فوکو معتقد به کارکرد شبکه قدرت بود. او به همین دلیل می‌گفت مغلوب کردن دستگاه دولت موجب تغییر در شبکه قدرت نمی‌شود؛ زیرا نظام سیاسی تابعی از شبکه وسیع و قدرتمند قدرت است (رهبری، ۱۳۸۸: ۱۴۰). به‌باور فوکو، باید قدرت را از نهاد حاکمیت جدا کرد: «قدرت در تمام سطوح جامعه پراکنده است و برخلاف لیبرال‌ها و مارکسیست‌ها، قدرت را نباید در دستگاه دولت متمرکز شمرد» (ضمیران، ۱۳۷۸: ۱۹۴).

۱۵. برای اطلاعات بیشتر رک. امیری، ۱۳۸۹: ۴۳-۴۶.

۱۶. حسن قاضی مرادی با ارائه برخی شواهد، مسئله تفوق اخلاق بر سیاست را تشریح کرده است. از نظر او، اخلاقی کردن سیاست در شرق توجیه‌گر نظام استبدادی است که در آن، سیاست‌ورزی، یعنی راهکاری زمینی برای سامان‌دهی «عدم توافق»، به رسمیت شناخته نمی‌شود؛ از این‌رو اخلاق ابزار قدرت و توجیه‌گر قدرت به‌شمار آمده است. در حالی که فرضیه مطرح‌شده درباره کلیله و دمنه با نظریه نیچه (اختراع ضعفاً برای کنترل اقویا) تطابق بیشتری دارد و نقطه مقابل آن قرار می‌گیرد؛ بدین معنا که این کتاب از طرف طبقه نخبه تدوین شده و با اخلاقی کردن امر سیاسی، قصد کنترل قدرت استبدادی و مقید کردن آن را دارد (قاضی مرادی، ۱۳۸۷: ۱۰۳).

۱۷. یادآور می‌شود که برزویه نیز از همین طبقه بوده است و از این نظر، با این دو شخصیت مشابهت دارد.

۱۸. کلیله و دمنه نیز شغال هستند.

۱۹. مخاطب کلیله و دمنه بیش از همه طبقه قدرت است.

۲۰. ظاهراً در نظام سنتی، عدالت غایت سیاست‌ورزی در نظر گرفته می‌شد؛ برای مثال جالب است که سعدی نیز باب نخست گلستان را به سیرت پادشاهان و باب اول بوستان را به عدل و تدبیر و رای اختصاص داده است.

21. Utopia

22. Plot

۲۳. این باب نخستین باب کلیله و دمنه است.
۲۴. این موضوع امکان دارد با مسئله تناسخ در ادیان هندی نیز بی‌ارتباط نباشد.
۲۵. از زبان اوست: از دنائت شمر قناعت را/ همتت را که نام کرده‌ست از (منشی، ۱۳۷۳: ۶۲).
۲۶. به قول سعدی: «پادشاهان به نصیحت خردمندان از آن محتاج‌ترند که خردمندان به قربت پادشاهان» (۱۳۷۷: ۱۷۰).
۲۷. همچنین است تکرار مضمون «الملک و الدین توأمان» در قالب‌های مختلف.
۲۸. نمونه‌ها بسیار است؛ برای مثال رک: قرآن کریم، سوره مائده، آیه ۳۱ (ماجرای دفن هابیل)؛ نیز در کلیله و دمنه، بهره‌گیری زاغ از مشاوره با اصحاب رأی که شاهدی بر خردمندی اوست و نیز در حکایت مار و زاغ که دمنه برای قانع کردن کلیله آن را نقل می‌کند (منشی، ۱۳۷۳: ۸۵).
۲۹. این بن‌مایه و طرح، از اسطور و افسانه تا واقعیت عینی تاریخی، مابازاء‌های فراوان دارد. داستان پادشاه جهود و نصرانیان نمونه‌ای از آن است. فروزانفر (۱۳۷۰: ۱/ ۱۵۲) به صورت مبسوط به تبارشناسی این موضوع پرداخته و نمونه‌های آن را در تفسیر ابوالفتوح رازی، قصص الانبیا، تفسیر کشف‌الاسرار و تاریخ طبری در بیان قصه رزم پیروز و هیاطله دیده است. مسلماً مبنای داستان کلیله و دمنه مقدم بر همه موارد فوق است.
۳۰. این نوع خرد بیشتر جنبه زمینی و علمی دارد و در بسیاری موارد معنای آن با زیرکی و احتیال درهم می‌آمیزد.
۳۱. اخلاق بهترین اختراع ضعفست برای بازداشتن و منع اقویا؛ قدرت بالاترین میل انسانی است (دورانت، ۱۳۹۲: ۷).

منابع

قرآن کریم.

- امن‌خانی، عیسی و مونا مددی (۱۳۹۱). «درد یا درمان؛ آسیب‌شناسی کاربرد نظریه‌های ادبی در تحقیقات معاصر». فصلنامه پژوهش‌های ادبی. س ۹. ش ۳۶-۳۷. صص ۵۱-۷۶.
- امیری، فرامرز (۱۳۹۹). «عوامل مؤثر در پیدایش نثر فنی و مصنوع». مجله زبان و ادب فارسی. ش ۹. صص ۴۳-۴۶.
- برتنس، هانس (۱۳۸۷). مبانی نظریه ادبی. مترجم محمدرضا ابوالقاسمی. تهران: نشر ماهی.
- بهار، محمدتقی (۱۳۴۹). سبک‌شناسی نثر. ج ۲. تهران: امیرکبیر.
- پاینده، حسین (۱۳۹۷). نظریه و نقد ادبی در سنامه‌ای میان‌رشته‌ای. تهران: سمت.
- پراپ، ولادیمیر (۱۳۸۶). ریخت‌شناسی قصه‌های پریان. ترجمه فریدون بدره‌ای. تهران: توس.
- تولان، مایکل (۱۳۸۶). روایت‌شناسی درآمدی زبان‌شناختی - انتقادی. تهران: سمت.

- دوبلوا، فرانسوا (۱۳۸۲). *برزویه طیب و منشأ کلیله و دمنه*. ترجمه صادق سجادی. تهران: طهوری.
- دورانت، ویل (۱۳۹۲). *تاریخ فلسفه*. ترجمه عباس زریاب‌خویی. چ ۲۴. تهران: علمی و فرهنگی.
- دهقانیا، جواد و ناصر نیکویخت (۱۳۹۰). «نقد اخلاق‌گرایی در کلیله و دمنه با نیم‌نگاهی به اندیشه‌های ماکیاولی». *فصلنامه نقد ادبی*. س ۴. ش ۱۴. صص ۱۳۳-۱۵۹.
- رهبری، مهدی (۱۳۸۸). *معرفت و قدرت معمای هویت*. تهران: کویر.
- سعدی، شیخ‌مصلح‌الدین (۱۳۷۷). *گلستان*. تصحیح غلامحسین یوسفی. چ ۷. تهران: خوارزمی.
- شرما، وشینو (۱۳۶۳). *پنج‌کلیله*. ترجمه خالقداد عباسی. تصحیح محمدرضا جلالی نایینی. تهران: اقبال.
- ضمیران، محمد (۱۳۷۸). *میشل فوکو دانش و قدرت*. چ ۴. تهران: هرمس.
- عباسی، خالقداد (۱۳۶۳). *پنج‌کلیله*. تصحیح محمدرضا جلالی نایینی. تهران: اقبال.
- قاضی مرادی، حسن (۱۳۸۷). *استبداد در ایران*. چ ۳. تهران: اختران.
- ماکیاولی، نیکولو (۱۳۶۶). *شهریار*. ترجمه داریوش آشوری. تهران: پرواز.
- محبوب، محمدجعفر (۱۳۴۹). *درباره کلیله و دمنه*. چ ۲. تهران: خوارزمی.
- محمدی کله‌سر، علیرضا (۱۳۹۷). «نقد کاربرد نظریه ادبی در مقالات پژوهشی (با تأکید بر روایت‌شناسی ساخت‌گرا)». *فصلنامه نقد ادبی*. س ۱۱. ش ۴۲. صص ۱۴۹-۱۷۲.
- منشی، نصرالله (۱۳۷۳). *کلیله و دمنه*. تصحیح و توضیح مجتبی مینوی. چ ۱۲. تهران: امیرکبیر.
- مصریان، علی (۱۳۸۴). «بازنگری کارنامه بیرونی در زبان فارسی». *نامه فرهنگستان*. ش ۱/۷. صص ۱۹۵-۲۰۷.
- مولانا، جلال‌الدین محمد (۱۳۷۳). *مثنوی معنوی*. تصحیح رینولد نیکلسون. به‌اهتمام نصرالله پورجوادی. چ ۱. چ ۲. تهران: امیرکبیر.

Holy Qur'an.

- Amnkhani, E., & Madadi, M. (2012). "Pain or Treatment; Pathology of the application of literary theories in contemporary research" (in Farsi). *Literary Research Quarterly*. Vol. 9. No. 36-37, pp. 51-76.
- Amiri, F. (2020). "Effective Factors in the Emergence of Technical And Artificial Prose" (in Farsi). *Persian Language & Literature Journal*. No. 9. pp. 43-46.

- Bertens, J. W. (2008). *Basics of Literary Theory* (in Farsi). M. R. Abolghassemi (Tr.). Tehran: Mahi Publications.
- Bahar, M. T. (1970). *Prose Stylistics* (in Farsi). Vol. 2. Tehran: Amirkabir Publications.
- Payandeh, H. (2018). *Theory and Literary Critics, An Interdisciplinary Course* (in Farsi). Tehran: Samt Publications.
- Propp, V. Y. (2007). *Morphology of the Tale* (in Farsi). F. Badrehei (Tr.). Tehran: Toos Publications.
- Tolan, M. (2007). *Narratology, Linguistic-Critical Introduction* (in Farsi). Tehran: Samt Publications.
- De Blois, F. C. (2003). *Borzouyeh-i Tabib and Origin of Kalila va Demna* (in Farsi). S. Sajadi (Tr.). Tehran: Tahoori Publications.
- Durant, W. (2013). *The Story of Philosophy* (in Farsi). A. Zaryabkhooei (Tr.). 24th Ed. Tehran: Elmi Farhangi Publications.
- Dehghanian, J., & N. Nikoobakht (2011). "Criticism of Moralism in Kilila and Damane with a Glance at Machiavelli's thoughts" (in Farsi). *Literary Criticism*. Vol. 4. No. 14 pp. 133-159.
- Rahbari, M. (2009). *Knowledge and Power of Identity Mystery* (in Farsi). Tehran: Kavir Publications.
- Saadi, Sh. M. (1998). *Gulistan* (Rose Garden) (in Farsi). Gh. Youssefi (Ed.) 7th Ed. Tehran: Kharazmi Publications.
- Stories of Panjatanta of Visnu Sharma (1984). A. Khaleghdad. M. R. Jalalinaeini (Ed.) Tehran: Eqbal Publications.
- Zamiran, M. (1999). *Michel Foucault, Knowledge and Power* (in Farsi). 4th Ed. Tehran: Hermes.
- Ghazimoradi, H. (1999). *Autarchy in Iran* (in Farsi). 3rd Ed. Tehran: Akhtaran Publications.
- Machiavelli, N. (1987). *The Prince* (in Farsi). D. Ashoori (Tr.) Tehran: Parvaz Publications.
- Mahjoub, M. J. (1970). *About Kelileh va Demneh* (in Farsi). Tehran: Kharazmi Publications.
- Mohammadi Kalehsar, A. (2018). "Critics to Literary Theory Application in Research Articles (With Emphasis on Structural Narratology)" (in Farsi). *Literary Critics*. Vol. 11. No. 42. pp. 149-172.
- Monshi, N. (1994). *Kelileh va Demneh* (in Farsi). M. Meynavi (Ed. & Com.). 12th Ed. Tehran: Amirkabir Publications
- Mesrian, A. (2005). "Reviewing Biruni's Persian Works" (in Farsi). *Nameh Farhangestan*. No. 1/7. pp. 195-207.
- Molana, J. M. (1994). *Masnavi-ye-Ma'navi* (means "The Spiritual Couplets") (in Farsi). Reynold A. Nicholson (Ed.). Vol. 1. Prepared by N. Pourjavadi. Tehran: Amirkabir Publications.

